

رجال پهلوی

فاطمه معزی

فضل الله آقاولی

سرهنک فضل الله آقاولی فرزند دکتر امان الله خان نصیرخاقان در ۱۳۰۴ق در اصفهان متولد شد. او پس از پایان تحصیلات متوسطه در مدرسه نظام در تهران^۱ در سال ۱۳۲۰ق برای ادامه تحصیل نظامی خود به انگلستان و فرانسه رفت.^۲ پس از فارغ التحصیلی از فرانسه، در دوره انقلاب مشروطه به ایران بازگشت و به ژاندارمری پیوست. زمانی که شوستر در ۱۳۲۹ق ریاست مالیه را برعهده گرفت درصدد تشکیل ژاندارمری خزانة برآمد و به همین منظور از بهترین افسران ژاندارمری دعوت به کار کرد. آقاولی تنها افسری بود که با درجه سلطانی به خدمت این نیرو درآمد^۳ و به معاونت شوستر منصوب شد.^۴ پس از برکناری شوستر از ریاست مالیه، این نیروی نظامی منحل شد و افسران آن به ژاندارمری دولتی به ریاست ژنرال یالمارسن سوئدی پیوستند. سلطان آقاولی نیز از افسرانی بود که به ژاندارمری دولتی پیوست، و مانند دیگر افسران منتقل شده یک سال در مدرسه تازه تأسیس افسری ژاندارمری (مدرسه صاحب منصبان) به تحصیل مشغول شد.^۵ تشکیلات جدید ژاندارمری دارای دو هنگ بود؛ سلطان آقاولی به معاونت و آجودانی هنگ دوم منصوب شد.^۶ در سفرهای یالمارسن به مناطق جنوب و غرب ایران آقاولی او را همراهی می کرد، و در خلع سلاح

۱. مهدیقلی هدایت مخیرالسلطنه. خاطرات و خطرات. تهران، زوار، ۱۳۷۵. ص ۱۳۹.

۲. دیده ها و شنیده ها: خاطرات میرزا ابوالقاسم خان کحال زاده. به کوشش مرتضی کامران. تهران، البرز، ۱۳۷۰.

۳. پرویز افسر. تاریخ ژاندارمری. قم، بی نا، ۱۳۲۳. ص ۳۲.

۴. مهدی بامداد. شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری. تهران، زوار، ۱۳۷۱. ج ۵، ص ۱۷۶.

۵. احمد اخگر. زندگی من در هفتاد سال تاریخ معاصر ایران. تهران، اخگر، ۱۳۶۶. ص ۸۳.

۶. مهدی بامداد. همان، ص ۱۷۶.



پرویش گل‌محمدی
مازور فضل‌الله‌خان آق‌اولی | ۱۹۳۹-۱۹۸۱ع

عشایر لرستان از همراهان فرمانده هنگ دوم بود و پس از بازگشت از این مأموریت به معاونت فرمانده ژاندارمری یالمارسن منصوب شد.^۷ پس از آغاز جنگ جهانی اول، فرماندهان سوئدی ژاندارمری ایران را ترک کردند و بسیاری از واحدهای ژاندارمری نیز به دولت مهاجرت در کرمانشاه پیوستند. آق‌اولی گرچه از طرفداران آلمان بود اما به مهاجرین نپیوست^۸ و به فرماندهی گردان مستقل یزد مأمور شد؛ مأموریت او این بار انحلال تشکیلات پلیس جنوب و استقرار قوای ژاندارم به

۸. دیده‌ها و شنیده‌ها، همان، ص ۲۲۷.

۷. پرویز افسر، همان، ص ۲۰۱.

جای آن بود.^۹ آق‌اولی در ۱۲۹۷ پس از ارتقاء درجه به کلنلی [سرهنگی] به فرماندهی گردان مستقل شماره چهار^{۱۰} اراک، قم، نهاوند، ملایر، تویسرکان، کمره، گلپایگان و خوانسار و توابع آن منصوب^{۱۱} و از سوی دولت و ثوق‌الدوله مأمور سرکوب ماشاء‌الله خان و نایب حسین کاشی در کاشان شد. پس از رفع این غائله به اصفهان مأمور شد^{۱۲} و با عارف قزوینی، که در این شهر اقامت داشت، رابطه دوستانه‌ای برقرار کرد.^{۱۳} در سال ۱۲۹۸ قرارداد ۱۹۱۹ بین ایران و انگلیس منعقد شد؛ بر طبق ماده سوم این قرارداد، دولت انگلیس تشکیل ارتشی متحدالشکل با ساختار جدید و تسلیحات مدرن به هزینه دولت ایران را بر عهده گرفت. به همین منظور، چند ماه بعد از انعقاد این قرارداد، قرار شد که یک کمیسیون نظامی متشکل از هفت افسر ایرانی و هفت افسر انگلیسی در تهران تشکیل شود تا به بررسی این موضوع بپردازند. سرهنگ آق‌اولی نیز از افسران ایرانی بود که برای شرکت در این کمیسیون، که ریاست آن را ژنرال دیکسن انگلیسی بر عهده داشت، مأمور به تهران گردید و به سمت منشیگری وی منصوب شد. بررسی این ماده قرارداد ۱۹۱۹ چهار ماه به طول انجامید و تصمیمات مهمی در خصوص ارتش ایران گرفته شد از جمله انحلال قوای قزاق و ژاندارمری، خرید اسلحه و مهمات جدید از ارتش هندوستان و جزئیات دیگری در خصوص ساختار ارتش. یکی از مواد تصویب شده در این کمیسیون ترفیع درجه افسران ایرانی تا حد سلطانی (سروانی) بود، که در واقع به معنای رهبری ارتش ایران به توسط افسران انگلیسی بود. کلنل آق‌اولی، که از مخالفان این بند بود، از سوی سپهدار رشتی وزیر جنگ نیز شتمات شد؛ ولی همچنان بر موضع خود ایستادگی و از امضای آیین‌نامه کمیسیون خودداری کرد. اما افسران انگلیسی چندین توجیهی به تصویب نشدن این توافقات نکردند؛ ژنرال ساکس انگلیسی پس از حضور در مدرسه نظام دستور داد برخی از مواد آیین‌نامه کمیسیون اجرا شود^{۱۴} و از

۹. پرویز افسر، همان، صص ۲۰۴-۲۰۱.

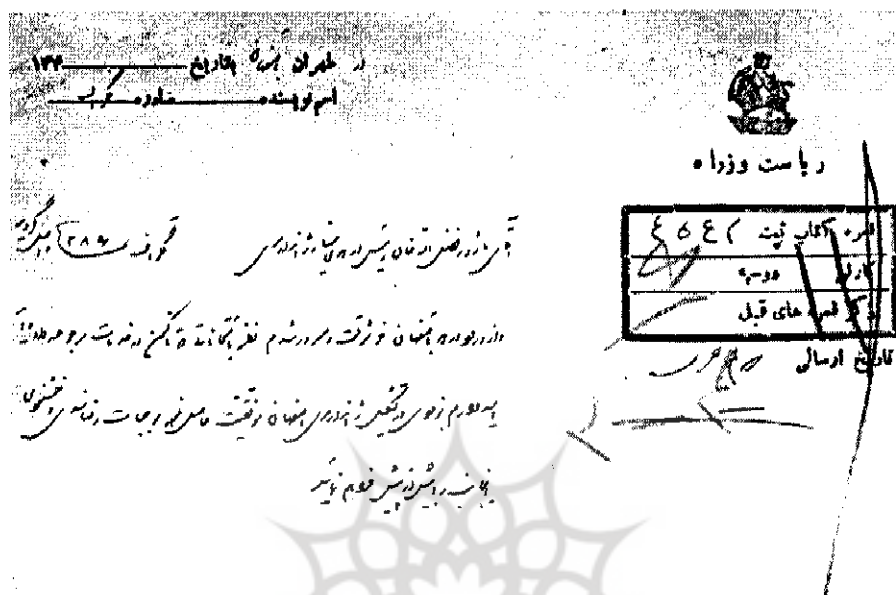
۱۰. نایب‌ان کاشان (بر اساس استاد). به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و محمد بقایی شیرجینی. تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۹، ص ۲۵۷.

۱۱. حسین مکی، مختصری از زندگانی سیاسی احمد شاه قاجار. تهران، علمی، ۱۳۲۳، صص ۹۲-۹۰.

۱۲. آیت‌الله ملا عبدالرسول مدنی، تاریخ اشرار کاشان، به اهتمام: حسینعلی پورمدنی، کاشان، مرسل، ۱۳۷۰، ص ۹۴.

۱۳. «به یاد عارف»، آینده، س ۱۶، ش ۸-۵، مرداد - آبان ۱۳۶۹، ص ۴۸۸.

۱۴. حسین مکی، همان، صص ۹۲-۹۰.



تلگراف جوابیه ریاست وزرا میرزا حسن خان وثوق الدوله به مازور فضل‌الله خان آق‌اولی [۲۲۸-۲۴۶]

سوی سرپرسی کاکس سفیر انگلیس در ایران به وزیر امور خارجه لرد کرزن اطلاع داد که گزارش کمیسیون در سال جدید به دولت وثوق الدوله ارائه خواهد شد تا پس از تأیید آن اجرا شود.^{۱۵} کلنل فضل‌الله خان آق‌اولی درست در روز اول فروردین ۱۲۹۹، ملیس به لباس سلام، پس از نوشتن وصیتنامه خود، با شلیک گلوله‌ای به شقیقه‌اش خودکشی کرد. پس از اعلام خبر خودکشی وی، به دستور نخست‌وزیر، خانه‌اش را شهربانی تفتیش کرد و، به قولی، وثوق الدوله شخصاً در منزل وی حضور یافت و پس از برداشتن نامه و یادداشتهای آق‌اولی اجازه دفن وی را داد.^{۱۶} علت خودکشی وی هیچگاه مشخص نشد؛ ولی اوضاع آن روز اقتضا می‌کرد که این حرکت را به مخالفت وی با مفاد آیین‌نامه نظامی منصوب نمایند. متن وصیتنامه او نیز به دست نیامد ولی شایعات حاکی از این بود که وی در وصیتنامه خود نوشته است: «...کمیسیون نظامی [ای] که من منشی بودم چیزهایی

۱۵. کاوه بیات، «قرارداد ۱۹۱۹ و تشکیل قشون متحدالشکل در ایران»، تاریخ معاصر ایران، کتاب دوم، ۱۳۶۹.

۱۶. حسین مکی، همان، ص ۹۲.

ص ۱۲۷.

اطلاع پیدا کردم که انگلیسبهدار خصوص ایران می‌خواهند بکنند که هیچ با شرافت و ناموسی متحمل آن نمی‌توانند بشود. از این جهت که من نمی‌توانم جلوائن نیستی ملیت و اسلامیت را بگیرم، ناچارم که خودم را نیست نمایم.^{۱۷} در روز دوم فروردین مراسم تشییع جنازه وی با حضور ژنرال دیکسن و دیگر اعضای انگلیسی کمیسیون نظامی صورت گرفت.^{۱۸} خودکشی آقاولی بر جسارت مخالفان قرارداد استعماری ۱۹۱۹ بیش از پیش افزود و این مخالفتها منجر به لغو قرارداد شد. اما سیاست انگلستان راهی دیگر برای دستیابی به اهداف خود یافت که همان کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ بود.

الکساندر آقایان

الکساندی الکساندر آقایان فرزند آداریس در ۱۲۶۴ش در قزوین متولد شد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی خود در قزوین، برای ادامه تحصیل در مدرسه ارمنیان تهران (هایگازان) راهی تهران شد. او پس از پایان این دوره تحصیلی به قفقاز رفت تا در دارالفنون اوچ کلیسای ایروان تحصیل خود را ادامه دهد.^{۱۹} اما این مدرسه از پذیرفتن وی سرباز زد و او تبریز را برای ادامه تحصیل خود برگزید.^{۲۰} علت پذیرفته نشدن وی در این مدرسه به فعالیت دانشاکیون در قفقازیه و برخورد دولت روسیه با اقدامات ارمنیان برمی‌گشت. آقایان در ۱۹۰۳م، پس از طی یک دوره سه ساله، به زادگاه خود بازگشت^{۲۱} و نزد یک کشیش روس به فراگیری زبان روسی پرداخت.^{۲۲} او در قزوین به استخدام شرکت حمل و نقل روسی نادژه درآمد^{۲۳} و در ضمن با پیرم که مستأجر منزل وی بود نیز آشنا شد و به دانشاکیون پیوست.^{۲۴} الکساندر آقایان به منظور ادامه تحصیل در همان

۱۷. روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای، به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا، تهران، شیرازه، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۳۷۴.

۱۸. دیده‌ها و شنیده‌ها، همان، ص ۴۲۹.

۱۹. سند شماره ۸۴-۴۳-۱۲۶-آ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۲۰. سند شماره ۸۵-۴۳-۱۲۶-آ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. این سند، که دست‌نوشته شخصی ناشناس مربوط به شرح حال الکساندر آقایان است، مناسبات آقایان با پیرم در قزوین را دلیل پذیرفته نشدن وی از سوی این دارالفنون می‌داند در حالی که با مراجعه به شرح حال پیرم مشخص می‌شود که وی در این اوقات هنوز در تبریز بوده است. رک: اسماعیل رائین، پیرم‌خان سردار، ص ۵۲.

۲۱. سند شماره ۸۵-۴۳-۱۲۶-آ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۲۲. «خاطرات دکتر آقایان»، خواندنیها، س ۲۱، ش ۸۹، ۷ مرداد ۱۳۴۰، ص ۱۲.

۲۳. سند شماره ۸۵-۴۳-۱۲۶-آ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۲۴. «خاطرات دکتر آقایان»، خواندنیها، س ۲۱، ش ۸۷، ص ۱۸.

آغاز انقلاب مشروطیت در سال ۱۹۰۷م/ ۱۲۸۵ش راهی اروپا شد و در دانشگاه ژنو به تحصیل در رشته حقوق پرداخت؛^{۲۵} اما هزینه‌گزار این رشته مانع ادامه تحصیلش شد و او در رشته تعلیم و تربیت فارغ‌التحصیل گردید.^{۲۶} در دوران تحصیل خود با حزب دانشاکیون مناسبات خود را همچنان ادامه داد ولی بعد به علت اختلاف نظر از آن جدا شد. آقایان که پیگیر اخبار ایران بود پس از آنکه خبر فتح قزوین به دست پیرم‌خان را شنید تصمیم به بازگشت و پیوستن به وی گرفت. به همین جهت از بادکوبه راهی ایران شد و به قزوین رفت. برای دیدار با پیرم‌خان مشکل چندانی نداشت چرا که منزل پدری‌اش از سوی مادرش به طور کامل در اختیار پیرم و مجاهدین گذاشته شده بود.^{۲۷} پس از ملاقات با پیرم، برای حضور در اردوی وی به قصد فتح تهران اعلام آمادگی کرد، و پیرم نیز از این پیشنهاد استقبال کرد. آقایان از سوی کمیسیون جنگ مجاهدین مأمور مذاکره با کنسول روس در قزوین شد تا از مواضع روسیه در مقابل حرکت مجاهدین به سوی تهران آگاه شود و در ضمن، به نوعی، رضایت آنان را برای این اقدام جلب کند.^{۲۸} پس از این مذاکرات، تصمیم بر این شد که اردوی مجاهدین به بهانه رفتن به بیلاق از قزوین حرکت کنند تا از مقابل راهدارخانه و مأمورین روسی آن عبور نکنند. آقایان نیز از همراهان پیرم‌خان به سوی تهران بود ولی در میان راه به علت آشنایی وی با دو زبان روسی و فرانسوی در حصارک کرج کنترل راه شوسه را به وی سپردند و پس از فتح تهران به دست قوای مجاهدین او نیز راهی تهران شد. دولت فاتح نظمیه را به پیرم‌خان سپرد و پیرم نیز آقایان را به ریاست امور مالی نظمیه منصوب کرد. یکی از اقدامات آقایان در دوره همکاری با نظمیه بستن مالیات بر مسکرات و تریاک بود تا از این طریق درآمد ثابتی برای نظمیه تأمین کند. آقایان یک سال بعد در ۱۳۲۸ ق تصمیم گرفت برای ادامه تحصیل خود به ژنو بازگردد؛ و در رشته حقوق به تحصیل پرداخت. در ژنو با علی‌اکبرخان داور که با وی هم‌رشته بود مناسبات دوستانه‌ای پیدا کرد. آقایان پس از فارغ‌التحصیلی از رشته حقوق برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا به بلژیک رفت. سرانجام پس از دو سال و نیم به تهران بازگشت و به وکالت مشغول شد. در آغاز کار، موکلان او را بیشتر اتباع خارجی تشکیل می‌دادند، یعنی کسانی که بنا به توصیه دوستان نزدیکی چون وثوق‌الدوله و سیدضیاء‌الدین طباطبایی به وی معرفی می‌شدند.

۲۶. سند شماره ۸۶-۴۳-۱۲۶-آ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۲۸. «خاطرات دکتر آقایان»، خواندنیها، س ۲۱، ش ۸۹، ص ۱۲.

۲۵. همان.

۲۷. همان.

زمانی که وثوق الدوله به صدارت منصوب شد آقایان در بسیاری از موارد به مثابه مشاور وی عمل می‌کرد و واسطه‌ای مناسب بین سفارت انگلیس با صدراعظم و دیگر دولتمردان بود. او با سفیر انگلیس مناسبات دوستانه‌ای داشت و در بسیاری از موارد با وی به مذاکره می‌پرداخت. در خاطراتش با صراحت به این موضوع پرداخته است و در مورد قحطی نان و تلاش وثوق الدوله برای حل آن می‌نویسد:

یگانه امکان، قرض از بانک شاهنشاهی بود وثوق الدوله هم حاضر نبود از بانک تقاضایی بکند که قطعاً رد می‌شد. همچنین حاضر نبود از وزیر مختار انگلیس تقاضا کند و طبیعی است که این نقشه، بی‌پول، نقش بر آب بود. لذا قرار شد من با وزیر مختار انگلیس صحبت کرده زمینه را بسنجم.^{۲۹} من با سر چارلز مارلینگ و همچنین با اتانیه نظامی انگلیس کلنل استوکس خیلی دوست بودم... من موضوع را با وزیر مختار انگلیس مطرح کردم که این تشکیلات ارزاقی که می‌خواهیم بدهیم موضوع حیاتی است و حداقل احتیاج به یک تنخواه‌گردان سیصد هزار تومانی دارد... بانک شاهنشاهی در دادن چنین وامی موافقت نداشت و در واقع می‌بایستی وزیر مختار انگلیس از طرف دولت متبوع خود آن را تضمین کند. همانطور هم عمل شد. یگانه شرطی که بانک با وزیر مختار انگلیس کرد این بود که وجه در حساب مخصوص ریخته خواهد شد که منحصراً به امضای مولیتور به مصرف خرید گندم باید برسد...^{۳۰}

۱۱۵

آقایان، علاوه بر وثوق الدوله، با سید ضیاء نیز مناسبات دوستانه‌ای داشت و زمانی که وی احتیاج به پول نقد برای انتشار روزنامهٔ رعد با همفکری آقایان داشت از تجارتخانه طومانیانس مبلغی قرض گرفت و اقدام به انتشار روزنامه کرد. البته پیش از آن، آقایان مذاکره‌ای با استوکس داشته و استوکس به وی صندوقی پر از پول می‌دهد تا به سید ضیاء برساند تا بتواند روزنامه را منتشر کند. اما آقایان از پذیرفتن پول سرباز می‌زنند و ظاهراً «حاضر به نوکری سفارت نمی‌شود».^{۳۱} در زمانی که این روزنامه منتشر می‌شد او نیز با آن همکاری می‌کرد و سلسله مقالاتی تحت عنوان «اصول جزائی» به نگارش در آورد، ولی بنا به خواهش میرزا حسن خان مشیرالدوله از ادامه این مقالات منصرف شد.^{۳۲}

۲۹. همان، خواندنیها، س ۲۲، ش ۴، ص ۳۳.

۳۰. همان، س ۲۲، ش ۵، صص ۳۲-۳۱.

۳۱. همان، س ۲۲، ش ۵، ص ۳۱.

۳۲. «خاطرات دکتر آقایان»، خواندنیها، س ۲۱، ش ۱۰۳، ص ۲۴.

Etude de
M^{re} A. Aghayan

دارالوکاله
دکتر آقایان وکیل

نمبره
شمیعه
بتاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۰۳
Annexe
Téhéran, le... 192

مقام منبع بابت دزدان عظیم در زمانه قاجاریه

با محاب احترام سرور سردار
نماینده ان اگلا دات از پیش زمین ترابط
لایح جانب تکراراً تبریعات نمودند لعمریه حضرت بزرگوار
فرمودند لفا لعمریه داشته امید دارم بر ایوقت رحمت خود را در پیش تاریخ علم

۱۱۶

فلمن در کمال

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۰۳
نمبره ۱۲۱۴۴

مجلس عالی معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وایه برید
مساجد نوزاد اگر انبیل است به هم نکل
میر فرید صاحب ایران همه مورد تامل بود

۱۳۰۳
۱۹ آذر

آقایان نیز، مانند سید ضیاء و وثوق‌الدوله، از مخالفان سرسخت دمکراتها بود و خواهان خروج ایران از وضعیت بیطرفی در جنگ جهانی اول بود. پس از پایان جنگ، در ۱۲۹۷ش آقایان قصد سفر به اروپا کرد و چون مسیر وی از قفقاز می‌گذشت با گواهینامه‌ای از سوی ارتش انگلیس به این مضمون که «دکتر آقایان و همراهانشان تحت حمایت اعلیحضرت پادشاه انگلیس مسافرت می‌کنند»^{۳۳} راهی سفر شد و به فرانسه رفت. در این سفر او برای راه اندازی نوغانداری جدید در ایران و تأسیس بانک، تحت عنوان بانک ایران و فرانسه، با مقامات مسئول این کشور وارد مذاکره شد. دو ماه قبل از کودتای ۱۲۹۹ در سفری که به باکو داشت با سید ضیاء ملاقات کرد و خود در خاطراتش مدعی است که او «فکر کودتا را به سید ضیاء تلقین» کرده است.^{۳۴} پس از این ملاقات، آقایان به پاریس بازگشت و زمانی که از کودتا آگاه شد با مخبره تلگرافی به سید ضیاء تبریک گفت و پس از سه سال راهی ایران شد. اما زمانی که ایران رسید که دولت کودتا سقوط کرده بود و او از دیدار دوست خود محروم ماند. او بلافاصله به حامیان سردار سپه پیوست و با میرزا علی اکبرخان داور که همزمان با وی به وطن بازگشته بود اقدام به تأسیس حزب رادیکال و انتشار روزنامه‌ای به نام مرد آزاد کردند.^{۳۵} این روزنامه از حامیان سردار سپه بود و مقالات سیاست خارجی و اقتصادی آن را آقایان با نام الف. الف. آ منتشر می‌کرد.^{۳۶} آقایان در سال ۱۳۰۲ در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی به نمایندگی ارامنه به مجلس راه یافت و، در ضمن، مناسبات دوستانه‌ای با سردار سپه برقرار کرد. الکساندر آقایان یکی از مشاوران رضاخان برای طرح انقراض سلسله قاجاریه بود و خود مدعی است که این طرح را وی به رضاخان پیشنهاد کرده است. در خصوص راضی کردن نمایندگان مجلس پنجم برای موافقت با این طرح، آقایان می‌نویسد:

ما به خوبی می‌دانستیم که کسی که طرح را امضا کرده باشد نه جرئت پس گرفتن امضای خود را بعدها خواهد داشت و نه آن که هنگام اخذ رأی می‌تواند از دادن رأی خودداری نماید؛ زیرا قرار گذاشته بودیم که در جلسه فردا تقاضای اخذ رأی با اسم بکنیم و بدین ترتیب به خوبی معلوم می‌شد چه کسانی به آن رأی داده و چه کسانی

۳۳. همان، س ۲۲، ش ۷، ص ۲۴.

۳۴. همان، س ۲۲، ش ۱۰، ص ۲۷.

۳۵. محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران، بعثت، ۱۳۶۶، ص ۱۸۷.

۳۶. «خاطرات دکتر آقایان»، خواندنیها، س ۲۲، ش ۱۶، ص ۲۲.

از رأی دادن خودداری کرده‌اند. بعد از ظهر آن روز در منزل سردار سپه هم جمع شدیم و قرار گذاشتیم که نمایندگان مجلس را بدون اطلاع و به طور ناگهانی از منزلهایشان به آنجا آورده و طرح را به امضای ایشان برسانیم و به همین ترتیب هم شروع به کار کردیم و وکلای اکثریت را مرتباً از گوشه و کنار پیدا کرده و با درشکه و اتومبیل به منزل سردار سپه می‌آوردیم و تا یک ساعت از شب گذشته در حدود ۶۴ نفر از وکلا را آورده و طرح را به امضای آنها، که اکثریت نمایندگان مجلس بودند، رساندیم. عده‌ای از نمایندگان که به منزل سردار سپه می‌آمدند متوسل به این [عذر] می‌شدند که در مجلس سوگند وفاداری به تاج و تخت قاجاریه را یاد کرده‌اند... عده قلیلی نیز حاضر به امضای این طرح نشدند. اتفاقاً من هنوز در مجلس سوگند یاد نکرده و مانعی از نظر وجدانی در این مورد نداشتم.^{۳۷}

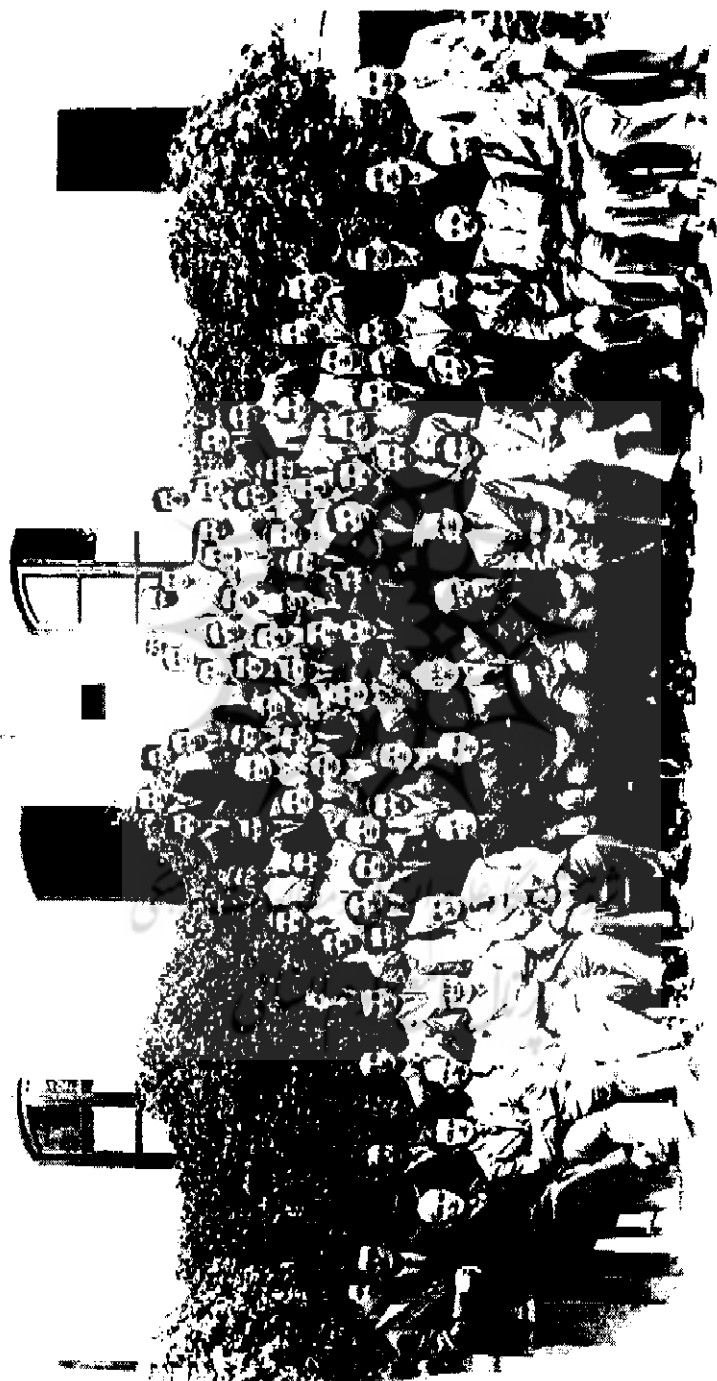
این طرح وی سرانجام به نتیجه رسید؛ آقایان از نمایندگان مجلس مؤسسان بود که با انقراض سلسله قاجار و واگذاری سلطنت به رضا خان موافقت کرد.

پس از مجلس پنجم، از سیاست ظاهراً کناره گرفت اما همچنان مورد مشورت رضاشاه بود. چنانچه پس از قهر میرزا علی اکبرخان داور، رضاشاه از آقایان که با داور مناسبات دوستانه‌ای داشت خواست تا وی را به دربار بازگرداند. پس از آنکه رضاشاه قلع و قمع اطرافیان خود را آغاز کرد داور، که دچار وحشت شده بود، از وی خواست تا برایش سمی تهیه کند «تا شاه نتواند هروقت دلش خواست» او را غافلگیر کند و آقایان نیز چنین کرد. گرچه داور هنگام خودکشی از این سم استفاده نکرد ولی آن را همیشه همراه داشت.^{۳۸} آقایان در سال ۱۳۱۳ از معلمان مدرسه حقوق بود که در رشته حقوق جزا تدریس می‌کرد^{۳۹} و در ۱۳۱۴ موفق شد نخستین شرکت بیمه ایرانی را به نام شرکت بیمه ایران تاسیس کند. بلافاصله پس از تأسیس این شرکت، آقایان برای عقد قرارداد بیمه اتکایی راهی اروپا شد و با شرکت بیمه لویلدز انگلیس نیز قراردادی مربوط به بیمه آتش سوزی و حمل و نقل منعقد کرد؛ اما به علت اختلاف نظری که بین او و وزیر دارایی بر سر بیمه کشتی حامل ریل راه آهن پیش آمد از هیئت مدیره شرکت بیمه ایران استعفاء داد. آقایان قبل از استعفای خود نخستین شرکت حمل و نقل ایرانی را راه‌اندازی کرده

۳۷. جعفر مهدی‌نیا. زندگی سیاسی سید ضیاءالدین طباطبایی. تهران، بانوس، ۱۳۶۹. ص ۴۹۵.

۳۸. «خاطرات دکتر آقایان»، خواندنیها، س ۲۲، ش ۲۰، ص ۲۰.

۳۹. نامواره دکتر محمود افشار. تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۶۵. ج ۲، ص ۱۰۱۲.



جمعی از اساتید و دانشجویان دانشکده حقوق دانشگاه تهران؛ نشسته از راست نفر پنجم الکساندر آقایان، علی شایگان، ابوالحسن فروغی و احمد متین دفتری [۴-۴۷۶]

بود و حال دیگر تمام وقت خود را مصروف آن می‌کرد. در جنگ جهانی دوم، پس از آنکه دولت شوروی در کار حمل و نقل این شرکت به آلمان سنگ‌اندازی کرد، آقایان پس از مذاکره با سفارت فرانسه موفق شد حمل و نقل خود را از بندر بیروت و تریپولی ادامه دهد؛ اما مجبور شد به دولتهای فرانسه و انگلیس تعهد دهد که از حمل بار به آلمان خودداری خواهد کرد. یکی از اقدامات وی در همین زمان حمل تسلیحات نظامی‌ای بود که آلمان به سفارش وزارت جنگ به ایران صادر کرده ولی در ترکیه متوقف مانده بود.^{۴۰} با ورود قوای متفقین به ایران، حمل و نقل را انگلیسیها در دست گرفتند و آقایان گرچه برای حفظ موقعیت خود تلاش بسیار کرد ولی فعالیت این شرکت عملاً متوقف شد.

دکتر آقایان، علاوه بر امور تجاری، به وکالت نیز مشغول بود و یکی از معروف‌ترین پرونده‌های وی وکالت تسخیری بهرامی، یکی از اعضای گروه ۵۳ نفر، بود که، برخلاف دیگر وکلای محاکمات، ابتداء دفاع از موکل خود پرداخت و داشتن کتاب کابیتال را جرم ندانست؛ اما خشم رضا شاه و تذکرات رئیس شهربانی وقت، سرپاس رکن‌الدین مختاری، جلسات بعد را متفاوت کرد. پس از سقوط رضا شاه و محاکمه عوامل وی، دکتر آقایان وکالت سرپاس مختاری را مجاناً پذیرفت. او در دفاعیات خود اعلام کرد:

من آقای مختاری را مجرم را نمی‌دانم. در کارهای سیاسی این‌گونه مأمورین را نمی‌توان روی اصول قوانین جزا مجرم دانست. او عضو تشکیلات و سازمان دوره گذشته بوده و یک معتقدات اساسی داشته که ممکن است من و آقای دادستان و دیگران به آن معتقد نباشیم. بنابراین، حق نداریم در اوضاع و احوالی که همه به آن آشنا بوده و همه در آن شرکت داشته‌ایم کاسه و کوزه را سر مختاری، که افکار عمومی او را به اینجا کشانیده است، بشکنیم.^{۴۱}

از دیدگاه وی، مختاری که در زمان خود به امر رضاشاه اقدام به حبسهای غیر قانونی و با قتل بسیاری کرده بود، قصد خدمت را داشته است. این دفاعیات آقایان و وکلای دیگر مختاری او را به هشت سال زندان محکوم کرد.

دکتر الکساندر آقایان در ۱۳۲۲ خود را کاندیدای نمایندگی مجلس دوره چهاردهم کرد و به مجلس راه یافت. او در مذاکراتی که بر سر ملی شدن نفت انجام می‌گرفت

۴۰. «خطرات دکتر آقایان»، خواندنیها، س ۲۲، ش ۲۴، صص ۲۵-۲۴.

۴۱. محاکمه رضا شاه در برابر تاریخ، گردآوری و نگارش جهانگیر موسوی‌زاده. تهران، کتابسرا، ۱۳۷۸. ج ۱.



الکساندر آقاییان، محسن صدر، علی امینی، محمد عبده، فرہرور، عبدالله رالا | ۵۵-۸۴۴۵-الف

چندان موافق این نظر نبود و معتقد بود که پس از ملی کردن، نفت ایران در هیچ بازاری به فروش نمی‌رسد.^{۴۲} او خود را برای نمایندگی دوره شانزدهم مجلس نیز کاندید کرد ولی این بار رأی نیاورد^{۴۳} و ارمینان پطروس آبکار را به نمایندگی خود برگزیدند. دکتر آقایان در سال ۱۳۴۲ش در تهران درگذشت. دو فرزند وی شاهین و فلیکس نیز چون پدر به سیاست و تجارت وارد شدند و به محافل درباری راه یافتند. اردشیر آوانسیان در خاطرات خود در خصوص وی اظهار می‌کند: «او نوکر دربار رضاشاه بود حالا هم نوکر محمدرضاشاه شده بود»^{۴۴} و فردوست نیز او را «فوق‌العاده باهوش و زیرک و اهل سوءاستفاده»^{۴۵} خوانده است.

فلیکس آقایان

فلیکس آقایان فرزند الکساندر در سال ۱۲۹۳ متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه فرانسویها به پایان برد و پس از فارغ التحصیلی در رشته علوم قضایی از دانشگاه تهران برای ادامه تحصیل به سویس رفت و از دانشگاه لوزان در مقطع دکترا فارغ التحصیل شد.^{۴۶} پس از بازگشت به ایران به مشاوره حقوقی و وکالت پرداخت؛ اما تجارت حرفه اصلی او بود که با حمایت پدر به آن مشغول شد. او، که جوانی بیش نبود، با حمایت‌های پدرش به بازار ایران راه یافت و تجارت حرفه اصلی او شد. آقایان در زمان جنگ دوم جهانی، که قوای متفقین در ایران مستقر بودند، با استفاده از دوستی خود با یک ژنرال آمریکایی اضافات انبارهای این ارتش را چون لاستیک اتومبیل، مواد غذایی و... به بازار سیاه تهران وارد می‌کرد و از سود کلانی برخوردار شد.^{۴۷} در سال ۱۳۲۵ در دوره نخست‌وزیری احمد قوام، حزب دموکرات که مؤسس آن خود نخست‌وزیر بود برای تأمین درآمدهای خود از امکانات دولتی استفاده می‌کرد به این شکل که دولت مجوز صدور کالا را به تجار می‌فروخت و سود آن به حزب برمی‌گشت. یکی از این مجوزها مجوز صادرات جو بود که فلیکس آقایان خریدار آن شد و با دولت قوام بر سر

۴۲. «خاطرات دکتر آقایان»، خواندنیها، س ۲۲، ش ۲۸، ص ۲۰.

۴۳. فرهنگ ناموران معاصر ایران، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۰.

۴۴. خاطرات اردشیر آوانسیان، به کوشش علی دهباشی، تهران، شهاب ناشر، ۱۳۷۸، ص ۳۰۳.

۴۵. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶۲.

46. Iran ho s ho 19 . Tehran, Echo of Iran, 1976.p 60.

۴۷. حسین فردوست، همان، ص ۲۶۳.

صدور جو مشکل پیدا کرد.^{۴۸}

فلیکس آقایان تشخیص داد که اگر می‌خواهد بازار ایران را در دست گیرد باید به حلقه یاران محمدرضا شاه در دربار راه یابد و همین شیوه را در پیش گرفت. خیلی زود به دربار پهلوی راه یافت و در حلقه دوستان نزدیک محمدرضا پهلوی قرار گرفت، حلقه‌ای که در اسناد سفارت آمریکا صاحب بیشترین نفوذ بر روی شاه شناخته شده است.^{۴۹} آقایان به مناسبت دوستی و نزدیکی با شاه در سال ۱۳۲۷ به ریاست فدراسیون اسکی منصوب شد و تا سال ۱۳۵۷ نیز این سمت را حفظ کرد،^{۵۰} مدتی نیز ریاست فدراسیون کوهنوردی بر عهده او بود.^{۵۱} او در دوره‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۱ مجلس شورای ملی نماینده ارمنیان بود و در دوره ۲۱ به فراکسیون کانون مترقی پیوست. در سال ۱۳۴۲، که حزب ایران نوین تشکیل شد، آقایان نیز به عضویت این حزب درآمد و در انتخابات دوره پنجم مجلس سنا در سال ۱۳۴۶ به نمایندگی از این حزب به مجلس راه یافت^{۵۲} و در دوره ششم مجلس سنا نیز باز هم نماینده تهران بود. آقایان، علاوه بر آنکه در حلقه یاران نزدیک شاه قرار داشت، با اشرف پهلوی نیز مناسبات دوستانه‌ای برهم زد و به مافیای مواد مخدر در ایران پیوست. حسین فردوست در خاطرات خود در این مورد نوشت: «بدون تردید، دکتر فلیکس آقایان بزرگ‌ترین قاچاقچی ایرانی مواد مخدر و یکی از مهم‌ترین قاچاقچیان بین‌المللی بوده و هست».^{۵۳} او در مافیای مواد مخدر چنان قدرت داشت که زمانی که عبدالرضا پهلوی پرده از نقش اشرف و قاچاق مواد مخدر برداشت به دستور آقایان تنبیه شد و مورد ضرب و شتم قرار گرفت.^{۵۴}

فلیکس آقایان به ظاهر آنقدر که به تجارت و قدرت در اقتصاد علاقه داشت به سیاست و قدرت سیاسی علاقه‌ای نداشت و بیشتر در پی تحکیم موقعیت اقتصادی خود بود؛ اما وابستگی وی به سازمانهایی چون MI6 و مناسبات نزدیک با سیاستمداران آمریکایی نشان‌دهنده نقش پنهان وی در سیاست است. این موضع زمانی بیشتر نمود دارد که او با عضو قدرتمند سازمان MI6 شاپور زیورتر بر سر واردات شکر به میدان

۴۸. ابوالقاسم گلجان، «هیچ دزدی اینطور کلاه سر یکدیگر نمی‌گذارد»، خواندنیها، س ۸ ش ۳۳، صص ۶-۷.

۴۹. استاد لانه جاسوسی، دانشجویان پیرو خط امام، بی‌تا، بی‌جا، ج ۷، ص ۲۳.

۵۰. فرهنگ ناموران معاصر ایران، همان، ص ۲۸۲.

۵۱. همان، ص ۵۱.

۵۲. حسین فردوست در خاطرات خود در مورد راهیابی فلیکس آقایان در مجلس سنا معتقد است که این امر به

دستور محمدرضا شاه صورت گرفت. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، همان، ص ۲۴۲.

۵۳. همان، ص ۲۴۳.

۵۴. همان، ج ۲، ص ۲۴۳.



بایبلیات خداداد

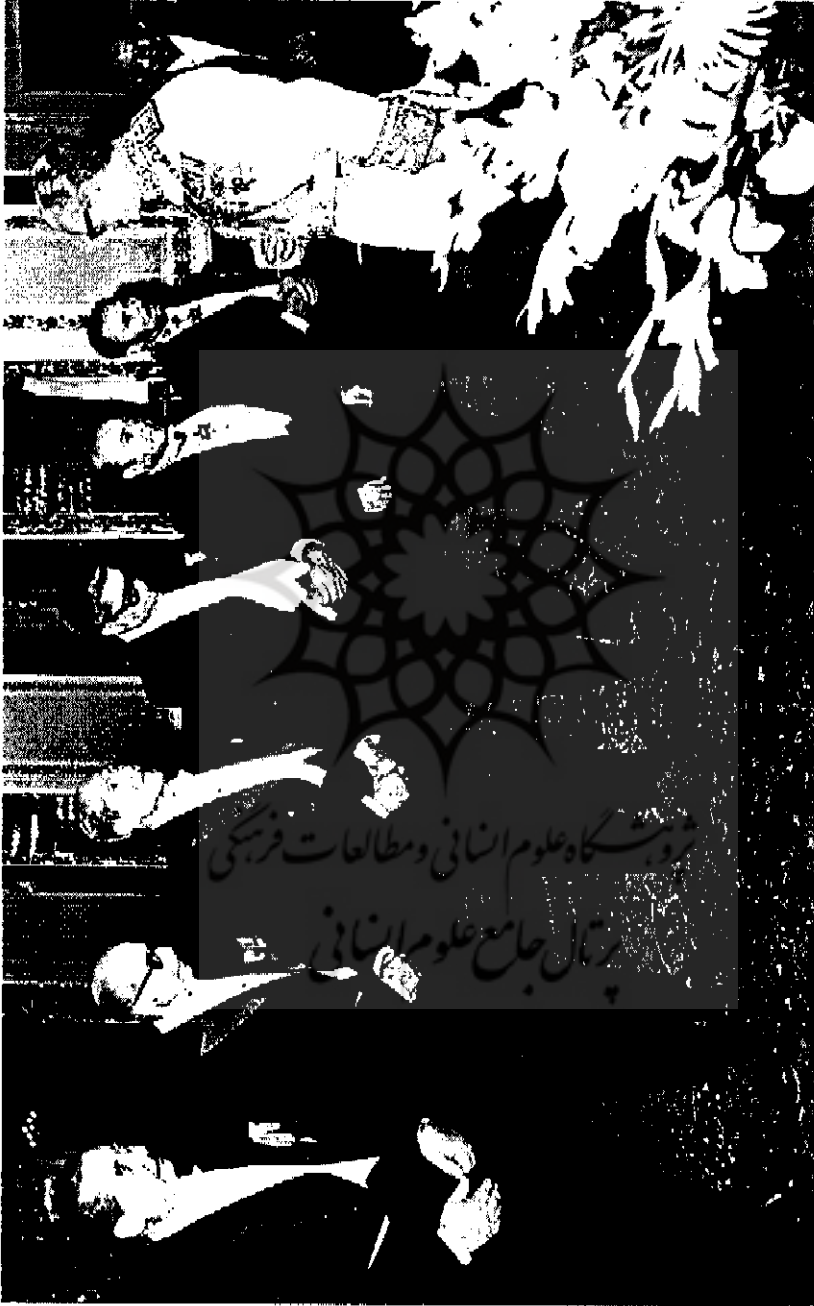
محمدرضا پهلوی آریامهر شاهنشاهی ایران

سجده

برای ابراز عواطف همایونی درباره فلیکس آقایان ساتورویس فدراسیون آکلی ایران

شعبه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
بوجب این فرمان یک قطعه نشان درجه سوم همایون
رئیس مجلس شورای ملی

بنا منبرده اعلان نمودیم . تاریخ چهارم آبانماه ۱۳۴۸



فلیکس آقایان نفر پنجم از سمت چپ، در حضور محمدرضا پهلوی | ۹۶-۱۳۶۶

نبرد وارد شد. انحصار واردات شکر سالها در اختیار آقایان بود تا اینکه در سال ۱۳۵۰ پرویز بوشهری و شاپور ریپورتر به حوزه وی وارد شده و با یک شرکت انگلیسی قراردادی برای وارد کردن شکر منعقد کردند. اما آقایان نیز به سادگی از این امر نگذشت:

از این حادثه به خشم آمد و با دسیسه او گزارش قرارداد فوق به عنوان یک معامله تقلب‌آمیز منتشر شد. در پی این واقعه، شاپور جی نزد فردوست رفت و... تهدید خود را دال بر انتشار اسناد تأسیس سلسله پهلوی توسط ایتلیجنس سرویس و فساد دربار ایران به اطلاع رسانید.^{۵۵}

سرانجام، نبرد این دو منجر به استعفای وزیر بازرگانی و معاونان وی شد؛ اما سرکردگان اصلی این جریان از هر تعرضی مصون ماندند. در سال ۱۳۵۴ آقایان، همراه با چند سرمایه‌دار دیگر، شرکت تله کابین توجال را تأسیس کرد و سود بسیار از این شرکت برد؛ اما با اوج‌گیری انقلاب از ایران گریخت و در ۱۳۵۸ تمام اموال وی مصادره شد. فلیکس آقایان با خیرالنساء (نینو) اسدبهدار ازدواج کرد و از وی دارای دو فرزند دختر می‌باشد. حسین فردوست، که خود از یاران شاه بود، در خاطرات خود هیچگاه به نیکی از آقایان یاد نمی‌کند:

فلیکس ۱۰۰ برابر زیرک‌تر از پدرش بود و اگر پدر برخی ملاحظات را رعایت می‌کرد پسر در زندگی اش اصلاً کلمه رعایت را نشنیده و هرکاری که در مخیله انسان بگنجد انجام می‌داد... در حد عجیبی از مسائل ایران و سیاست بین‌المللی و تشکیلات خفیه سیا و اف. بی. آی و مافیا اطلاع داشت؛ زیرا در رده‌های بالای این سازمانها بهترین رفقارا به ضرب پولهای کلان به دست آورده بود و در تشکیلات اجتماعی سری آمریکا در بالاترین رده دست داشت... سیاست او معلوم نبود و در واقع سیاست او پول بود. بدون دیدن دوره اطلاعاتی ثابتی و امثالهم را در جیب می‌گذاشت. در کار خود نابغه بود.^{۵۶}





پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی